

بررسی و واکاوی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی انقلاب اسلامی

علی قربانی رشنودی^۱، سوسن قربانی^۲

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی

^۲ محقق و فرهنگی حوزه مطالعات اجتماعی

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی سرمایه اجتماعی در انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد و نوع آن به‌عنوان یک تحقیق کیفی مشخص می‌شود. این تحقیق شامل تحلیل متون مذهبی، تاریخ انقلاب و بررسی نظرات اندیشمندان در زمینه سرمایه اجتماعی است که غالباً در بیرون از کشور کار شده است. هدف اصلی این تحقیق، درک عمیق از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تقویت سرمایه اجتماعی انقلاب اسلامی در این مقطع تاریخی می‌باشد. سرمایه اجتماعی، تحت تأثیر منابع مذهبی نظیر قرآن و فقه، ارزش‌هایی چون همبستگی و همکاری را ترویج می‌کند. این اصول نه تنها در تقویت اعتماد میان اعضای جامعه مؤثر بوده بلکه به ایجاد هنجارهای اجتماعی کمک کرده است. رهبری امام خمینی (ره) به‌عنوان یک عنصر کلیدی در بسیج مردم و تبیین اهداف مشترک، هویت جمعی را به‌عنوان یک حرکت دینی تقویت کرد. دولت نیز پس از انقلاب با ایجاد فضایی برای مشارکت عمومی و تکیه بر ارزش‌های اسلامی، توانست به انسجام اجتماعی کمک کند. این تعامل میان رهبری، منابع مذهبی، مردم و نهادهای دولتی، به شکل‌گیری و تقویت سرمایه اجتماعی منجر شد. در نهایت، این تحقیق نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در انقلاب اسلامی نتیجه تعامل پیچیده میان رهبری، منابع مذهبی و تاریخی، مردم و نهادهای دولتی است. این تحلیل به درک عمیق‌تری از موفقیت انقلاب و اهمیت سرمایه اجتماعی در تحولات اجتماعی می‌انجامد.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی؛ انقلاب اسلامی؛ دین؛ مردم؛ نهادهای دولتی.

مقدمه

انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ایران به عنوان یک مطالعه موردی عمیق از چگونگی ظهور سرمایه اجتماعی به عنوان یک نیروی قدرتمند در تسهیل کنش جمعی و تحول اجتماعی است. انقلاب صرفاً یک تحول سیاسی نبود. این نشان دهنده تلاقی منابع مختلف سرمایه اجتماعی بود که به طور جمعی مردم ایران را علیه رژیم پهلوی بسیج کرد (آقایی، ۱۳۹۳). از طریق بررسی جنبه‌های مختلف سرمایه اجتماعی - مذهب، تاریخ، جمعیت و دولت - آشکار می‌شود که این عناصر عمیقاً در هم تنیده شده‌اند و هر کدام به روایت انقلابی کمک می‌کنند و محیطی مساعد برای تغییر ایجاد می‌کنند.

منابع به هم پیوسته سرمایه اجتماعی چارچوب دینی ارائه شده توسط اسلام در شکل‌گیری هویت جمعی و بسیج مؤثر بود. آموزه‌های اسلام، به‌ویژه آموزه‌های مربوط به عدالت اجتماعی و رفاه جامعه، در میان مردم ایران طنین‌انداز شد و یک الزام اخلاقی مشترک را ایجاد کرد که فراتر از تفاوت‌های فردی بود (امام خمینی، ۱۳۵۷). رهبران مذهبی، به‌ویژه امام خمینی (ره)، عملاً از این سرمایه دینی برای جلب حمایت استفاده کردند و با استناد به روایتی که انقلاب را به عنوان یک وظیفه دینی معرفی می‌کردند. این ادغام آرمان‌های مذهبی و سیاسی نه تنها جناح‌های مختلف را متحد کرد، بلکه حس هدف را در میان انقلابیون تقویت کرد.

به همان اندازه بافت تاریخی که آگاهی جمعی مردم ایران را آگاه می‌کرد، قابل توجه بود. میراث مبارزات گذشته علیه استبداد، مانند انقلاب مشروطه ۱۹۰۶، منبع الهام برای فعالان معاصر بود (ارجمند، ۱۹۸۸). این آگاهی تاریخی باعث ایجاد هویت مشترک در میان مردم شد و افراد را قادر ساخت تا مبارزات کنونی خود را در روایتی بزرگتر از مقاومت و انعطاف تفسیر کنند. خاطره جمعی نارضایتی‌های تاریخی مردم را توانمند کرد تا علیه رژیم بسیج شوند و نقش سرمایه تاریخی را در تقویت انسجام اجتماعی به نمایش بگذارند.

خود مردم ایران به عنوان منبعی حیاتی از سرمایه اجتماعی ظهور کردند و همبستگی و سازماندهی قابل توجهی را در طول دوره انقلاب نشان دادند. جنبش‌های مردمی، فعالیت‌های دانشجویی و شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در بسیج حمایت و انتشار افکار انقلابی ایفا کردند (خسروی، ۱۳۸۹). توانایی شهروندان عادی برای دور هم جمع شدن برای دستیابی به یک هدف مشترک، قدرت شبکه‌های اجتماعی و اهمیت عاملیت جمعی را در ایجاد تغییر نشان می‌دهد. اعتراضات مردمی به مظهر این سرمایه اجتماعی تبدیل شد و وحدت و عزم مردم را در برابر ظلم به نمایش گذاشت.

دولت علیرغم ماهیت استبدادی خود، ناخواسته به سرمایه اجتماعی که به انقلاب دامن زد کمک کرد. ناکامی رژیم پهلوی در رسیدگی به نیازها و خواسته‌های شهروندان، خلایی ایجاد کرد که با شعارهای انقلابی و سازمان‌دهی پر شد (حافظ، ۱۳۸۹). بحران مشروعیتی که دولت با آن مواجه شد به رهبران انقلابی این امکان را داد تا خود را به عنوان نمایندگان اراده مردم قرار دهند و پیوندهای سرمایه اجتماعی را در میان حامیان خود بیشتر مستحکم کنند. گذار از یک رژیم استبدادی به یک حکومت اسلامی تغییر قابل توجهی در رابطه بین دولت و جامعه نشان داد، زیرا رهبری جدید در پی مشروعیت بخشیدن به اقتدار خود با توسل به آرمان‌های جمعی مردم بود.

مفاهیم برای جامعه معاصر نقش سرمایه اجتماعی در دوران انقلاب اسلامی بر اهمیت ماندگار آن در جامعه معاصر ایران تأکید دارد. میراث کنش جمعی، همبستگی و مشارکت اجتماعی همچنان به شکل‌دهی به چشم‌انداز سیاسی و پویایی اجتماعی در ایران امروز ادامه می‌دهد (حافظ، ۱۳۸۹). درک ماهیت چندوجهی سرمایه اجتماعی آنگونه که در جریان انقلاب تجلی یافت می‌تواند بینش‌های ارزشمندی را در مورد جنبش‌های اجتماعی جاری و گفتمان سیاسی در داخل کشور ارائه دهد.

بیان مساله

در حال حاضر، انقلاب اسلامی وارد یک دوره حساس گذار شده است؛ که با نفوذ فکری، فرهنگی و سطح رشد بالا، از یک قدرت ملی به یک قدرت منطقه‌ای و یا خوشبینانه، به سمت یک قدرت جهانی در حال حرکت است. با توجه به چالش‌های بی‌شمار محیط جهانی، در مسیر حرکت آن مخاطراتی وجود دارد و برای عبور از آنها نیاز به واکاوی در انواع سرمایه‌های آن بویژه

سرمایه اجتماعی دارد. سرمایه اجتماعی را می‌توان ارزش روابط میان افراد به صورت فردی، گروهی و جمعی تعریف کرد که نشان‌دهنده ارتباطات اجتماعی دارای ارزش ذاتی است که با اتکا به آن می‌توان، به اهداف فردی، جمعی و اجتماعی رسید. دانشمندان به این نتیجه رسیده‌اند که موفقیت در دنیای کنونی علاوه بر دیگر سرمایه‌ها، نیازمند سرمایه‌ی دیگری به نام "سرمایه اجتماعی" در سازمان است. به اعتقاد آنها، سرمایه اجتماعی نوعی دارایی محسوب می‌شود که هم برای سازمان و هم برای اعضای سازمان مفید و سودمند است. بسیاری از فرایندهای جدید مدیریتی از قبیل توسعه سازمان‌یادگیرنده، مدیریت دانش، توسعه محصولات و خدمات، رضایت مشتریان درون سازمانی و برون سازمانی، تحت تأثیر وجود و توسعه سرمایه اجتماعی است. سرمایه‌ی اجتماعی در بهبود تاب‌آوری سازمانها و مؤسسات تأثیرگذار است و از مفاهیمی است که امروزه در بررسیهای اقتصادی و اجتماعی جوامع مدرن مطرح شده و سبب ایجاد نظریه‌هایی شده که پایه‌ای برای سایر مطالعات مدیریت است و نقشی به مراتب مهم‌تر از سرمایه فیزیکی و انسانی در سازمانها و جوامع ایفا می‌کند (خسروی پور، ۱۴۰۱).

استفاده از مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی با توجه به روند جهانی شدن و تضعیف نقش دولتهای ملی، به عنوان راه حلی اجرashدنی در سطح اجتماعات محلی برای مشکلات توسعه، مورد توجه سیاستگذاران و مسئولان سیاست اجتماعی قرار گرفته است (الوانی و همکاران، ۱۳۹۱).

طبق تعریف بانک جهانی، سرمایه اجتماعی به انسجام اجتماعی و فرهنگی درونی جامعه و هنجارها و ارزش‌های حاکم بر تعاملات بین افراد و نهادهایی که در آن تعبیه شده‌اند، اشاره داد.

سرمایه اجتماعی با ایجاد شبکه‌ای از روابط و هنجارهای مشترک و تسهیل کنش جمعی بین افراد یک جامعه، همبستگی اجتماعی را تقویت کرده و بستر اعتماد، وفاداری، تعهد و حس همکاری و مشارکت را در بین افراد جامعه فراهم می‌سازد. این مطالعه با بررسی زمینه‌های مذهبی، تاریخی و زمینه‌های سیاسی - اجتماعی، مکانیسم‌هایی را که از طریق آنها سرمایه اجتماعی پرورش و به کار گرفته شده است، روشن می‌کند و اهمیت حیاتی آن را در شکل‌گیری حکومت‌داری و جامعه مدنی انقلاب اسلامی در ایران را نشان می‌دهد. چنین تحلیلی نه تنها بینش‌هایی در مورد اهمیت تاریخی سرمایه اجتماعی ارائه می‌دهد، بلکه به بحث‌های معاصر در مورد مشارکت مدنی و مشارکت سیاسی نیز می‌پردازد.

اهمیت پژوهش

اهمیت سرمایه اجتماعی در انقلاب‌ها را نمی‌توان اغراق کرد. حس تعلق و مسئولیت جمعی را تقویت می‌کند و در نتیجه مشارکت مدنی و مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری را تشویق می‌کند. علاوه بر این، سرمایه اجتماعی به ایجاد اعتماد بین دولت و مردم کمک می‌کند که برای اجرای موفق سیاست‌ها و برنامه‌ها ضروری است. با پرورش شبکه‌های اجتماعی قوی، نهادهای عمومی می‌توانند به چالش‌های اجتماعی بهتر رسیدگی کنند و توسعه پایدار را ارتقا دهند که در نهایت منجر به نتایج بهتر برای جوامع می‌شود. بررسی سرمایه اجتماعی در چارچوب انقلاب اسلامی ایران از اهمیت نظری قابل توجهی برخوردار است. این تحقیق با تحلیل نقش سرمایه اجتماعی در تسهیل کنش جمعی و تقویت مشارکت مدنی، به گفتمان گسترده‌تر در شبکه‌های اجتماعی و بسیج سیاسی کمک می‌کند. درک مکانیسم‌هایی که سرمایه اجتماعی از طریق آنها بر جنبش‌های انقلابی تأثیر گذاشت، می‌تواند بینش‌های ارزشمندی در مورد پویایی تاب‌آوری و همبستگی جامعه در زمان‌های تحولات سیاسی ارائه دهد.

ضرورت پژوهش

این مطالعه به دنبال ارتقای مدل‌های نظری سرمایه اجتماعی با ترکیب بافت تاریخی و فرهنگی منحصر به فرد ایران است، در نتیجه ادبیات دانشگاهی را غنی می‌سازد و دیدگاهی متفاوت در مورد تأثیر متقابل ساختارهای اجتماعی و تغییرات سیاسی ارائه می‌دهد. چنین مشارکت‌هایی برای درک پدیده‌های اجتماعی معاصر و ارتباط مداوم سرمایه اجتماعی در مطالعات سیاسی ضروری است.

هدف پژوهش

واکاوی سرمایه اجتماعی انقلاب اسلامی ایران می باشد؛ که با هدف استفاده از اکتساب سرمایه اجتماعی به عنوان پشتیبان و تسهیل کننده، انقلاب اسلامی عمل نماید.

سوال پژوهش

مؤلفه های سرمایه اجتماعی انقلاب اسلامی ایران کدامند؟

پیشینه پژوهش

پیشینه داخلی

۱- خجسته اهوازی و همکاران (۱۴۰۳). در پژوهشی با عنوان تبیین جامعه شناختی مشارکت سیاسی از دید نخبگان خوزستان با تأکید بر سرمایه اجتماعی در راستای برنامه ریزی منطقه ای پرداخته اند. روش انجام پژوهش از نوع کمی و از لحاظ هدف کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه نخبگان سیاسی خطه خوزستان که شامل مدرسان دانشگاه، مدیران میانه و ارشد ادارات و سازمان های دولتی و شرکت های خصوصی، پزشکان، مهندسان، فرهنگیان و نویسندگان می باشد. از دیدگاه جامعه شناسی، مشارکت پذیری به معنای احساس تعلق به گروه و شرکت فعالانه و داوطلبانه در آن که به فعالیت اجتماعی منجر می گردد؛ بسیار اهمیت دارد. با در نظر گرفتن نتایج این مطالعه می توان استنباط کرد که وجود تعاملات اجتماعی نقش مهمی در زندگی جمعی افراد دارد، سرمایه اجتماعی را می توان به عنوان عواملی تأثیرگذار در مشارکت سیاسی جامعه قلمداد نمود.

۲- حسونندیان و همکاران (۱۴۰۳). در پژوهشی با عنوان سرمایه اجتماعی و کارکرد آن به عنوان مبنای اساسی فرآیند رشد، پیشرفت و توسعه (با تأکید بر ایران). با هدف تبیین و تحلیل تأثیر سرمایه اجتماعی و ارتباط مؤلفه های اساسی آن با پیشرفت و توسعه در ایران به ویژه اینکه یکی از دلایل بفرنج بودن وضعیت اقتصادی کشورمان، پایین بودن سطح کلی سرمایه اجتماعی است. یافته های این پژوهش یعنی ادراک صحیح از مقوله ی سرمایه اجتماعی و ارتقاء سطح شاخص های کمی و کیفی آن، به خصوص اعتمادسازی در بین احاد ملت و در راستای دستیابی به هنجارهای مشترک اجتماعی، می توانیم امیدوار به موفقیت بیشتر در اجرای برنامه های توسعه ای کشورمان باشیم. این نوشتار بر اساس تلفیقی از روشهای توصیفی تحلیلی، گردآوری اطلاعات کتابخانه ای و همچنین آمارهای موجود صورت پذیرفته است.

۳- صادقی سرچشمه و مرشدی زاد (۱۴۰۲). در پژوهشی به بررسی نقش اعتماد اجتماعی در انگیزه مشارکت سیاسي جوانان شهر یزد پرداخته اند که منجر به یافته های ذیل گردید: از میان انواع اعتماد. اعتماد بین شخصی، تعمیم یافته، اعتماد به کنشگران سیاسی، نظام سیاسی، نهادهای سیاسی، نهادهای آموزشی، نهادهای خدماتی، نهادهای اقتصادی و نهادهای مذهبی. فقط میانگین گویه های مربوط به اعتماد بین شخصی و نهادهای آموزشی متوسط به بالا بود. همچنین گویه های مربوط به انواع مشارکت سیاسی (مشارکت سیاسی انتخاباتی آینده، گذشته، غیرانتخاباتی و منفی) فقط مشارکت سیاسی انتخاباتی گذشته متوسط به بالا بود. همچنین یافته های تحقیق نشان داد که بین متغیرهای مستقل با میزان مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد

پیشینه خارجی

۱- اوترو و همکاران^۱ (۲۰۲۴). در مقاله ای تحت عنوان تفاوت در دسترسی به سرمایه اجتماعی در جوامع، به بررسی شرایط کلان ساختاری در سطح کشور می پردازد که با سرمایه اجتماعی مرتبط است و به عنوان دسترسی افراد به منابع اجتماعی

^۱ Gabriel Otero et al.

اندازه‌گیری می‌شود. برای توضیح تفاوت‌های سرمایه اجتماعی در بین جوامع، فرضیه‌هایی را بر اساس سخاوت دولت رفاه، جهت‌گیری‌های فرهنگی (جمع‌گرایی در مقابل فردگرایی)؛ و نابرابری درآمدی تدوین کرده‌اند. مدل‌های رگرسیون چندسطحی نشان می‌دهند که تنوع تماس‌های اجتماعی به طور کلی در میان افراد در کشورهایی با دولت‌های رفاه سخاوتمندانه بیشتر است، در حالی که دسترسی به مخاطبین با وضعیت اجتماعی - اقتصادی بالاتر عموماً در میان افراد در کشورهایی با سطوح بالاتر فردگرایی بهتر است. نابرابری درآمد یک کشور با سرمایه اجتماعی شهروندان آن مرتبط نیست. با این حال، ارتباط بین وضعیت اجتماعی اقتصادی یک فرد و تنوع سرمایه اجتماعی آنها توسط نابرابری درآمد تعدیل می‌شود. به این ترتیب، مطالعه ما نشان می‌دهد که شرایط کلان اجتماعی در سطح کشور بر سرمایه اجتماعی فردی تأثیر می‌گذارد و بسته به بعد در نظر گرفته شده، پیامدهای متفاوتی دارد.

۲- پونزتو و ترواینو^۲ (۲۰۲۴). در مقاله‌ای با عنوان سرمایه اجتماعی، مخارج دولتی و رشد نشان می‌دهند که سرمایه اجتماعی با افزایش سرمایه‌گذاری دولت در سرمایه انسانی از طریق انگیزه‌های سیاسی و انتخاب بهتر، رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد. شواهد تجربی ارائه می‌کنند تا نشان می‌دهد سهم بیشتری از خروجی صرف آموزش عمومی می‌شود که در آن سرمایه اجتماعی بالاتر است، هم در سراسر کشورها و هم در سراسر ایالت‌های ایالات متحده. ما یک مدل نظری از رشد درون‌زای تصادفی با عاملیت سیاسی ناقص ایجاد می‌کنیم. فقط برخی افراد به درستی پیش‌بینی می‌کنند که آینده به هزینه‌های فعلی آموزش عمومی برمی‌گردد. انتشار اجتماعی بیشتر اطلاعات باعث می‌شود این دانش در میان رای دهندگان گسترده تر شود. در نتیجه، سرمایه اجتماعی انگیزه‌های سیاسی نزدیک‌بین برای سرمایه‌گذاری ناکافی در سرمایه انسانی را کاهش می‌دهد. همچنین به رای دهندگان کمک می‌کند تا سیاستمدارانی را انتخاب کنند که از بهره‌وری بالا در آموزش عمومی اطمینان حاصل کنند. از طریق این مکانیسم، ما نشان می‌دهیم که سرمایه اجتماعی نرخ رشد تعادلی تولید را افزایش داده و نوسانات آن را کاهش می‌دهد.

۳- ورهوست و همکاران^۳ (۲۰۲۴). در پژوهشی به اهمیت اعتماد برای عملکرد و مشروعیت رژیم‌های نظارتی: تأثیر متفاوت اعتماد مراقب و اعتماد حسن نیت انتظار می‌رود اعتماد نقش حیاتی در رژیم‌های نظارتی ایفا کند، پرداختند با این حال، چگونگی تأثیر اعتماد بر عملکرد و مشروعیت این رژیم‌ها به خوبی درک نشده است. مطالعه ما بررسی می‌کند که چگونه تعامل اعتماد و روابط بی‌اعتمادی بین و نسبت به بازیگران سیاسی، اداری و نظارتی، ادراکات عملکرد و مشروعیت را شکل می‌دهد. با استفاده از داده‌های نظرسنجی بین کشوری که اعتماد و بی‌اعتمادی را در میان بازیگران مختلف در رژیم‌های نظارتی اندازه‌گیری می‌کند، تحلیل ما نشان می‌دهد که روابط اعتماد مراقب از نظر نگرش «اعتماد اما تأیید» در بین بازیگران منجر به عملکرد نظارتی بالاتر می‌شود. برعکس، ترکیب اعتماد بالا با بی‌اعتمادی کم، مشروعیت رژیم را تقویت می‌کند، در حالی که سطوح بالای نظارت حتی تأثیر مخربی بر مشروعیت دارد. تحقیقات ما تأکید می‌کند که بازیگران در رژیم‌های نظارتی هنگام ارزیابی و کمک به عملکرد رژیم، منطقی از پیامد بودن را اتخاذ می‌کنند. در مقابل، برای تقویت مشروعیت رژیم، منطقی تناسب به نظر می‌رسد مرتبط تر باشد.

۴- فخرالدینوویچ و زمردعلی^۴ (۲۰۲۴). در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی، کیفیت نهادی و ثبات سیاسی بر پایداری محیطی پرداختند. این تحقیق به دنبال کشف مفاهیم اولیه در چارچوب‌هایی برای تحلیل روابط بین سرمایه محیطی و اجتماعی است. جالب توجه است که در شکل غیرخطی، نتایج مطالعه سرمایه اجتماعی را توصیف می‌کند و قانون و نظم به کیفیت محیطی کمک می‌کند، در حالی که ثبات دولتی و سیاسی باعث افزایش سطح انتشار در بلندمدت می‌شود. همچنین، این مطالعه برخی مفاهیم اصلی را برای رسیدن به سطح پایداری مطلوب ارائه می‌کند.

^۲ A M Ponzetto, Ugo Antonio Troiano

^۳ Verhoest et al.

^۴ Fakhriddinovich & Zamurd Ali

۵- هردیانسیا^۵ (۲۰۲۳). در پژوهشی تحت عنوان شهر هوشمند مبتنی بر توانمندسازی جامعه، سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در مناطق شهری پرداخته است. این مطالعه با بررسی تأثیر کاربرد شهر هوشمند بر اعتماد عمومی نسبت به دولت، با هدف پر کردن شکاف انجام شده است.

روش‌ها: جمع‌آوری داده‌های اولیه در سال ۲۰۲۱ برای نمایاندن رفتار شهروندان از نظر کاربرد شهر هوشمند انجام شد. این مطالعه چهار شهر بزرگ در اندونزی را مورد بررسی قرار داده است که برنامه‌های کاربردی شهر هوشمند را به خوبی ساخته اند: جاکارتا، باندونگ، سمارنگ و سورابایا. داده‌های اولیه با استفاده از رگرسیون حداقل مربعات معمولی تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: این مطالعه نشان می‌دهد که عوامل اساسی کاربردهای شهر هوشمند که از نظر آماری معنی‌دار هستند، بر کیفیت، رضایت و قابلیت اطمینان هستند. این عوامل تأثیر مثبت و معناداری بر میزان اعتماد به دولت محلی داشتند. نتیجه‌گیری: برنامه‌های کاربردی شهر هوشمند می‌توانند با افزایش کیفیت، رضایت، قابلیت اطمینان و توانمندسازی جامعه، اعتماد عمومی را شکل دهند. با این حال، باید توجه داشت که تعداد جامعه‌ای که از اپلیکیشن شهر هوشمند استفاده می‌کنند همچنان کم است؛ بنابراین، لازم است فرهنگ استفاده از این برنامه‌ها برای کمک به اعتمادسازی شهروندان به دولت و بهبود کیفیت شهری تشویق شود.

مشارکت‌های رابرت پاتنام^۱ در مطالعه سرمایه اجتماعی عمیقاً بر گفتمان معاصر در مورد مشارکت مدنی و پویایی جامعه تأثیر گذاشته است. پاتنام در آثار اصلی خود استدلال می‌کند که سرمایه اجتماعی - که به‌عنوان شبکه‌ها، هنجارها و اعتمادی که اقدام جمعی را تسهیل می‌کنند تعریف می‌شود - نقشی اساسی در تقویت حکومت دموکراتیک و رفاه اجتماعی ایفا می‌کند. او معتقد است که جوامع با شبکه‌های اجتماعی قوی تمایل به نشان دادن سطوح بالاتری از مشارکت مدنی و اعتماد عمومی دارند که برای حکمرانی مؤثر ضروری است (پاتنام، ۲۰۲۱).

مطالعات اخیر بر اساس ایده‌های بنیادی پاتنام و بررسی پیامدهای سرمایه اجتماعی در زمینه‌های مختلف ادامه داده‌اند. به‌عنوان مثال، یک مطالعه در سال ۲۰۲۲ رابطه بین سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری جامعه را در طول بحران‌ها برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که پیوندهای اجتماعی قوی می‌تواند اثرات نامطلوب تحولات اجتماعی را کاهش دهد (اسمیت و تامپسون، ۲۰۲۲).^۲ علاوه بر این، تحقیقات انجام شده در سال ۲۰۲۳ بر نقش سرمایه اجتماعی در تقویت مشارکت سیاسی در میان جوامع به حاشیه رانده شده تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه شبکه‌ها می‌توانند افراد را توانمند کرده و مشارکت آنها را در فرآیندهای دموکراتیک افزایش دهند (جانسون، ۲۰۲۳).

بنابراین، کار پاتنام برای درک پویایی سرمایه اجتماعی در هر دو محیط تاریخی و معاصر حیاتی است. بینش او همچنان به تحقیق در مورد مشارکت مدنی، اعتماد و مکانیسم‌هایی که از طریق آن شبکه‌های اجتماعی به انسجام اجتماعی و ثبات سیاسی کمک می‌کنند، ادامه می‌دهد.

مفهوم‌پردازی پیر بوردیو از سرمایه اجتماعی، چارچوبی حیاتی برای درک تأثیر متقابل بین شبکه‌های اجتماعی و پویایی قدرت در جامعه فراهم می‌کند. بوردیو سرمایه اجتماعی را به‌عنوان مجموعه‌ای از منابع بالفعل یا بالقوه مرتبط با داشتن شبکه‌ای بادوام از روابط کم و بیش نهادینه شده از آشنایی و شناخت متقابل تعریف می‌کند (بوردیو، ۱۹۸۶). این دیدگاه تأکید می‌کند که سرمایه اجتماعی صرفاً یک منبع سودمند نیست، بلکه ابزاری برای حفظ و تقویت سلسله مراتب اجتماعی موجود است.

پژوهش‌های اخیر بر ایده‌های بنیادی بوردیو گسترش یافته است و مفاهیم سرمایه اجتماعی را در زمینه‌های مختلف بررسی می‌کند. یک مطالعه در سال ۲۰۲۲ بررسی می‌کند که چگونه سرمایه اجتماعی می‌تواند افراد را در سیستم‌های آموزشی هم توانمند کرده و هم به حاشیه راند، نشان می‌دهد که دسترسی به شبکه‌ها به طور قابل‌توجهی بر موفقیت تحصیلی و تحرک

^۵ H. Herdiansyah

^۱ Putnam, R. D

^۲ Smith, J. & Thompson, A

اجتماعی تأثیر می‌گذارد (رابرتس و اسمیت، ۲۰۲۲). علاوه بر این، تحقیقات در سال ۲۰۲۳ نقش سرمایه اجتماعی را در تعامل سیاسی مورد بحث قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه افراد دارای پیشینه‌های ممتاز اغلب از شبکه‌های خود برای به دست آوردن نفوذ سیاسی استفاده می‌کنند و در نتیجه نابرابری‌های سیستمی را تداوم می‌بخشند (دیویس، ۲۰۲۳).

بینش بورديو در مورد سرمایه اجتماعی بر ماهیت دوگانه آن به‌عنوان منبعی برای توانمندسازی و ابزاری برای بازتولید اجتماعی تأکید می‌کند. کار او همچنان به بحث‌های معاصر در مورد نابرابری، قدرت و پویایی‌های اجتماعی اطلاع‌رسانی می‌کند و آن را برای محققانی که پیچیدگی‌های سرمایه اجتماعی در جامعه مدرن را بررسی می‌کنند ضروری می‌سازد.

کمک‌های جیمز کلنن به مفهوم سرمایه اجتماعی به طور قابل توجهی بر نظریه جامعه‌شناختی و کاربردهای عملی در زمینه‌های مختلف تأثیر گذاشته است. کلنن سرمایه اجتماعی را به‌عنوان منابع در دسترس افراد از طریق شبکه‌های اجتماعی تعریف می‌کند و تأکید می‌کند که این منابع برای دستیابی به اهداف معین بسیار حیاتی هستند (کلنن، ۱۹۸۸). دیدگاه او اهمیت ساختارهای اجتماعی را در تسهیل اقدامات و تقویت اعتماد در بین افراد برجسته می‌کند که می‌تواند به منافع جمعی منجر شود.

مطالعات اخیر بر اساس ایده‌های بنیادی کلنن، نقش سرمایه اجتماعی را در زمینه‌های مختلف بررسی کرده‌اند. به‌عنوان مثال، یک مطالعه در سال ۲۰۲۱ تأثیر سرمایه اجتماعی را بر نتایج آموزشی بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که دانش‌آموزانی که در شبکه‌های اجتماعی حمایتی مشارکت می‌کنند تمایل به عملکرد تحصیلی بهتری دارند (میلر و جانسون، ۲۰۲۱). این یافته ادعای کلنن را تقویت می‌کند که سرمایه اجتماعی می‌تواند به‌عنوان یک منبع ارزشمند در محیط‌های آموزشی عمل کند و بر موفقیت دانش‌آموزان تأثیر بگذارد.

علاوه بر این، تحقیقات انجام شده در سال ۲۰۲۳، پیامدهای سرمایه اجتماعی را در توسعه جامعه بررسی می‌کند و استدلال می‌کند که پیوندهای اجتماعی قوی در محله‌ها می‌تواند مشارکت مدنی را افزایش داده و اقدام جمعی را ترویج کند (گارسیا، ۲۰۲۳). این مطالعه دیدگاه کلنن را تأیید می‌کند که سرمایه اجتماعی در بسیج جوامع برای رسیدگی به مسائل محلی و تقویت انسجام اجتماعی مفید است.

بینش کلنن در مورد سرمایه اجتماعی همچنان در تحقیقات معاصر طنین انداز می‌شود و بر اهمیت آن در درک تأثیر متقابل بین روابط اجتماعی و موفقیت فردی تأکید می‌کند.

مفهوم سرمایه اجتماعی از دیدگاه اندیشمندان

سرمایه اجتماعی به طرق مختلف توسط محققان تعریف شده است که نشان دهنده ماهیت چندوجهی آن است. در اینجا پنج تعریف وجود دارد که تفاسیر متنوع آن را در بر می‌گیرد:

۱- رابرت پاتنام سرمایه اجتماعی را به‌عنوان شبکه‌های روابط بین افراد یک جامعه تعریف می‌کند که آن جامعه را قادر می‌سازد تا به طور مؤثر عمل کند. او بر اهمیت مشارکت مدنی و اعتماد در تقویت همکاری اجتماعی تأکید می‌کند (پاتنام، ۲۰۲۳).

۲- پیر بورديو سرمایه اجتماعی را به‌عنوان منابعی که از طریق شبکه‌های اجتماعی جمع می‌شود، مفهوم می‌کند. او استدلال می‌کند که سرمایه اجتماعی شکلی از قدرت است که می‌تواند سلسله مراتب اجتماعی و دسترسی به فرصت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد (بورديو، ۲۰۲۲).

۳- جیمز کلنن سرمایه اجتماعی را جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی توصیف می‌کند که کنش را تسهیل می‌کند و تأکید می‌کند که روابط و شبکه‌های اجتماعی برای افراد و جوامع ارزش ایجاد می‌کنند (کلنن، ۲۰۲۳).

3 Davis

4 Garcia, P

۴- فرانسیس فوکویاما سرمایه اجتماعی را اعتماد و هنجارهایی توصیف می‌کند که هماهنگی و همکاری را برای منافع متقابل تسهیل می‌کند. او معتقد است که سطوح بالای سرمایه اجتماعی برای حکمرانی مؤثر و ثبات اجتماعی ضروری است (فوکویاما،^۵ ۲۰۲۲).

۵- نان لین سرمایه اجتماعی را به‌عنوان منابع تعبیه شده در شبکه‌های اجتماعی تعریف می‌کند که افراد می‌توانند برای دستیابی به اهداف خود به آنها دسترسی داشته باشند. او نقش سرمایه اجتماعی را در تسهیل تحرک اجتماعی و موفقیت فردی برجسته می‌کند (لین،^۷ ۲۰۲۳).

این تعاریف پیچیدگی سرمایه اجتماعی و نقش حیاتی آن را در زمینه‌های مختلف اجتماعی منعکس می‌کند و اهمیت آن را هم در کاربردهای نظری و هم در کاربردهای عملی تقویت می‌کند.

نویسنده	تعریف	منبع
پوتنام	سرمایه اجتماعی به‌عنوان شبکه‌ای از روابط بین افراد یک جامعه تعریف می‌شود که آن جامعه را قادر می‌سازد تا به طور مؤثر عمل کند.	(Putnam, R. D (2021).
بوردیو	سرمایه اجتماعی منابعی است که از طریق شبکه‌های اجتماعی جمع‌آوری می‌شود و به‌عنوان شکلی از قدرت عمل می‌کند که می‌تواند سلسله مراتب اجتماعی و دسترسی به فرصت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.	(Bourdieu, P (2022).
کولمان	سرمایه اجتماعی جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی را در بر می‌گیرد که عمل را تسهیل می‌کند و از طریق روابط اجتماعی برای افراد و جوامع ارزش ایجاد می‌کند.	(Coleman, J. S (2023).
فوکویاما	سرمایه اجتماعی با اعتماد و هنجارهایی مشخص می‌شود که هماهنگی و همکاری را برای منافع متقابل تسهیل می‌کند که برای حکمرانی مؤثر ضروری است.	(Fukuyama, F (2022).
نان لین ^۷	سرمایه اجتماعی به منابع تعبیه شده در شبکه‌های اجتماعی اطلاق می‌شود که افراد می‌توانند برای دستیابی به اهداف خود به آنها دسترسی داشته باشند و تحرک اجتماعی و موفقیت فردی را تسهیل کنند.	(Lin, N (2023).

کاوش فرانسیس فوکویاما در مورد سرمایه اجتماعی به طور قابل توجهی به درک نقش آن در شکل‌دهی اعتماد و حکومت اجتماعی کمک کرده است. فوکویاما سرمایه اجتماعی را به‌عنوان اعتماد و شبکه‌هایی تعریف می‌کند که همکاری بین افراد را در یک جامعه تسهیل می‌کند و بیان می‌کند که سطوح بالای سرمایه اجتماعی برای حکومت مؤثر و ثبات سیاسی ضروری است (فوکویاما، ۱۹۹۵). کار او تأکید می‌کند که جوامعی که با پیوندهای اجتماعی قوی مشخص می‌شوند، تمایل دارند سطوح بالاتری از مشارکت مدنی را نشان دهند که برای فرآیندهای دموکراتیک حیاتی است.

تحقیقات اخیر ایده‌های بنیادی فوکویاما را گسترش داده است و پیامدهای سرمایه اجتماعی را در زمینه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده است. یک مطالعه در سال ۲۰۲۱ همبستگی بین سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری جامعه را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که جوامع با شبکه‌های اجتماعی قوی برای هدایت بحران‌ها و چالش‌ها مجهزتر هستند (تامپسون و لی، ۲۰۲۱).

⁵ Fukuyama

⁶ Bourdieu

⁷ Lin, N

این یافته این ادعای فوکویاما را تقویت می‌کند که سرمایه اجتماعی برای تقویت اعتماد و همکاری در مواقع سختی بسیار مهم است.

علاوه بر این، تحقیقات منتشر شده در سال ۲۰۲۳ نقش سرمایه اجتماعی را در افزایش مشارکت سیاسی بررسی می‌کند و استدلال می‌کند که افراد مستقر در شبکه‌های اجتماعی قوی بیشتر درگیر فعالیت‌های مدنی و دفاع از منافع جمعی هستند (مارتینز^۸، ۲۰۲۳). این مطالعه دیدگاه فوکویاما را تأیید می‌کند که سرمایه اجتماعی نه تنها از عاملیت فردی حمایت می‌کند، بلکه ساختار جوامع دموکراتیک را نیز تقویت می‌کند. بینش فوکویاما در مورد سرمایه اجتماعی همچنان در تحقیقات معاصر طنین انداز می‌شود و بر اهمیت آن در درک تأثیر متقابل بین اعتماد، حکومت و انسجام اجتماعی تأکید می‌کند.

دیدگاه نظریه پردازان کلیدی مانند رابرت پاتنم، پیر بوردیو، فرانسیس فوکویاما و جیمز کلنن بینش‌های ارزشمندی را در مورد مطالعه سرمایه اجتماعی، به ویژه در زمینه انقلاب اسلامی ایران ارائه می‌دهد. رابرت پاتنم بر نقش شبکه‌های اجتماعی در تسهیل مشارکت مدنی و اقدام جمعی تأکید می‌کند. کار او نشان می‌دهد که سطوح بالای سرمایه اجتماعی به بهبود حکمرانی و تاب‌آوری جامعه کمک می‌کند که به ویژه به درک بسیج در طول انقلاب ایران مرتبط است (پاتنم، ۲۰۲۱).

پیر بوردیو یک لنز انتقادی ارائه می‌دهد که از طریق آن می‌توان سرمایه اجتماعی را به عنوان شکلی از قدرت که می‌تواند سلسله مراتب اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد، مشاهده کرد. مفهوم سرمایه اجتماعی او نشان می‌دهد که چگونه دسترسی به شبکه‌ها می‌تواند نابرابری‌های موجود را تقویت کند که در هنگام تحلیل گروه‌های متنوع درگیر در انقلاب مورد توجه قرار می‌گیرد (بوردیو، ۲۰۲۲).

فرانسیس فوکویاما استدلال می‌کند که سرمایه اجتماعی برای ایجاد اعتماد در جوامع ضروری است که همکاری و اقدام جمعی را تقویت می‌کند. بینش‌های او می‌تواند پویایی اعتماد را که در بافت انقلابی پدیدار شد، روشن کند (فوکویاما، ۲۰۲۳).

در نهایت، جیمز کلنن بر اهمیت سرمایه اجتماعی در محیط‌های آموزشی و تشکیل جامعه تأکید می‌کند. چارچوب او را می‌توان برای درک اینکه چگونه سرمایه اجتماعی بر اصلاحات آموزشی و سازماندهی جامعه در طول انقلاب و پس از آن تأثیر گذاشته کار برد (کلنن، ۲۰۲۳).

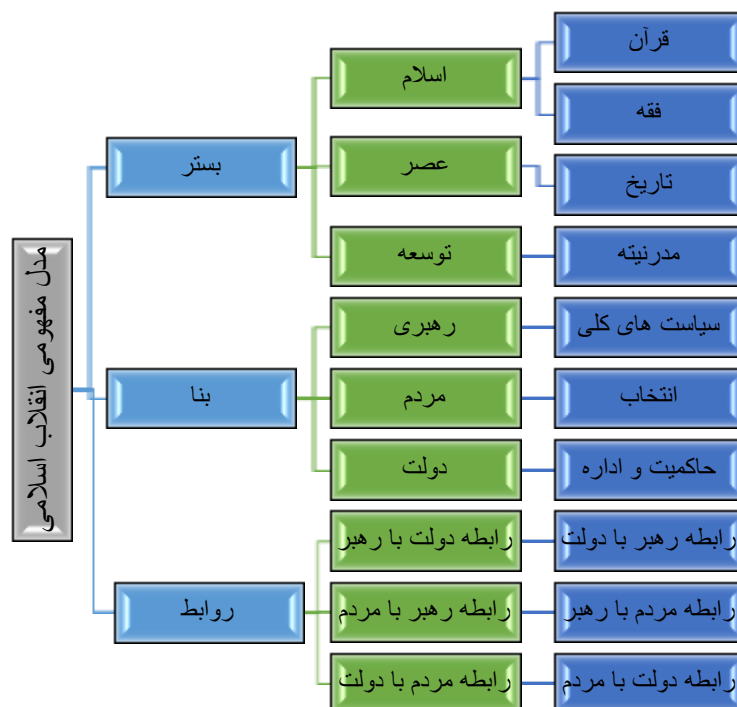
این دیدگاه‌های علمی در مجموع بر ماهیت چندوجهی سرمایه اجتماعی و نقش حیاتی آن در شکل‌دهی به چشم‌انداز اجتماعی و سیاسی ایران در طول انقلاب اسلامی تأکید می‌کنند. بررسی سرمایه اجتماعی از دریچه نظریه پردازان برجسته ای مانند رابرت پاتنم، پیر بوردیو، فرانسیس فوکویاما و جیمز کلنن، بینش عمیقی از اهمیت آن در طول انقلاب اسلامی ایران به دست می‌دهد. رابرت پاتنم، در کار مهم خود، مدافع این است که سرمایه اجتماعی در تقویت مشارکت مدنی و تقویت حکومت دموکراتیک مؤثر است. او معتقد است که جوامع با شبکه‌های اجتماعی قوی تمایل به نشان دادن سطوح بالاتری از مشارکت در فرآیندهای سیاسی دارند، تصویری که با بسیج توده‌ای که در طول انقلاب ایران دیده شد، طنین‌انداز می‌شود. یافته‌های او حاکی از آن است که اقدام جمعی که توسط گروه‌های اجتماعی مختلف آغاز شد، در موفقیت انقلاب نقش اساسی داشت (پاتنم، ۲۰۲۱).

پیر بوردیو با چارچوب بندی سرمایه اجتماعی به عنوان منبعی که افراد می‌توانند از آن برای هدایت سلسله مراتب اجتماعی استفاده کنند، دیدگاهی انتقادی ارائه می‌دهد. او استدلال می‌کند که دسترسی به شبکه‌های اجتماعی به طور مساوی توزیع نمی‌شود که می‌تواند نابرابری‌های موجود را تداوم بخشد. این دیدگاه برای درک انگیزه‌ها و پیشینه‌های متنوع بازیگران درگیر در انقلاب بسیار مهم است، زیرا گروه‌های مختلف از سرمایه اجتماعی خود برای دستیابی به اهداف سیاسی استفاده کردند (بوردیو، ۲۰۲۲).

فرانسیس فوکویاما بر نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد اعتماد در جوامع تأکید می‌کند و تأکید می‌کند که اعتماد برای همکاری و انسجام اجتماعی اساسی است. این امر به ویژه به بافت ایران مرتبط است، جایی که اعتماد در میان شهروندان و بین مردم و رهبران در طول تحولات و فرآیندهای بعدی ملت‌سازی بسیار مهم بود (فوکویاما، ۲۰۲۲).

⁸ Martinez

جیمز کلمن تأثیر سرمایه اجتماعی بر نتایج آموزشی و تشکیل جامعه را برجسته می‌کند. تحلیل او را می‌توان در مورد انقلاب ایران به کار برد تا بررسی کند که چگونه شبکه‌های اجتماعی اصلاحات آموزشی و سازماندهی جامعه را تسهیل کردند که برای بسیج حمایت از جنبش انقلابی بسیار مهم است (کلمن، ۲۰۲۳). این دیدگاه‌های علمی در کنار هم، درک دقیقی از نقش سرمایه اجتماعی در انقلاب اسلامی ارائه می‌کنند و بر ماهیت چندوجهی آن و شیوه‌های مختلفی که به چشم‌انداز اجتماعی و سیاسی ایران در این دوره دگرگون شده تأکید می‌کنند؛ که در اینجا به بررسی منابع سرمایه اجتماعی انقلاب اسلامی می‌پردازیم:



مدل مفهومی سرمایه اجتماعی انقلاب اسلامی

اسلام به‌عنوان منبع سرمایه اجتماعی انقلاب اسلامی

اسلام به‌عنوان منبع سرمایه اجتماعی در انقلاب اسلامی اسلام به‌عنوان منبع سرمایه اجتماعی در انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ نقطه عطف مهمی در تاریخ ملت بود که مشخصه آن ظهور یک حکومت دین سالار بود که ریشه در اصول اسلامی داشت. یکی از مهمترین منابع سرمایه اجتماعی در این دوره، خود اسلام بود که چارچوبی برای هویت جمعی، همبستگی و بسیج در میان مردم ایران فراهم کرد (آقای، ۱۳۹۳). این گزارش به بررسی راه‌های کمک آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی به سرمایه اجتماعی در بستر انقلاب می‌پردازد.

زمینه تاریخی اسلام در ایران

اسلام از قرن هفتم به بعد یکی از جنبه‌های اساسی هویت ایرانی بوده و منظر فرهنگی، سیاسی و اجتماعی منطقه را شکل داده است (حافظ، ۱۳۸۹). تثبیت تشیع به‌عنوان مذهب دولتی در عصر صفوی، ارزش‌های اسلامی را در بافت جامعه ایران تثبیت کرد. رویدادهای تاریخی، مانند انقلاب مشروطه ۱۹۰۶، نقش اندیشه اسلامی را در گفتمان سیاسی برجسته کرد و زمینه را برای جنبش‌های انقلابی بعدی فراهم کرد (نصر، ۱۳۸۵). در زمان انقلاب اسلامی، اسلام به یک نیروی قدرتمند برای بسیج سیاسی و انسجام اجتماعی تبدیل شده بود.

آموزه‌های اسلامی و هویت جمعی همبستگی و عدالت اجتماعی تأکید دارد. مفاهیمی مانند امت (جامعه مؤمنان)؛ و مهرور (مظلومان). به ویژه در مواجهه با نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی و سرکوب سیاسی، طنین عمیقی در بین مردم ایران پیدا

کردند (خسروی، ۱۳۸۹). قرآن و احادیث پایه‌ای اخلاقی و اخلاقی برای اقدام جمعی علیه استبداد فراهم کردند و حس هدف مشترک را در بین افراد با پیشینه‌های مختلف پرورش دادند. این هویت جمعی در اتحاد جناح‌های مختلف جامعه - دانشجویان، کارگران و رهبران مذهبی تحت یک آرمان مشترک مؤثر بود.

نهادهای اسلامی مانند مساجد و مدارس دینی در سازماندهی و بسیج توده‌ها در جریان انقلاب نقش اساسی داشتند. این مؤسسات به‌عنوان مراکزی برای فعالیت‌های سیاسی و مشارکت اجتماعی عمل می‌کردند، جایی که افراد برای بحث در مورد نارضایتی‌ها و استراتژی اقدام جمعی گرد هم می‌آمدند (آقای، ۲۰۱۴). روحانیت، به‌ویژه شخصیت‌هایی مانند آیت‌الله خمینی، از مرجعیت دینی برای الهام بخشیدن و حمایت از جنبش انقلابی استفاده کردند. توانایی آنها در استناد به اصول اسلامی در چارچوب مبارزات سیاسی، سرمایه اجتماعی را با ایجاد اعتماد و همبستگی در میان حامیان افزایش داد.

گفتمان انقلابی عمیقاً با روایات اسلامی که مبارزه با رژیم پهلوی را یک وظیفه اخلاقی و دینی می‌دانست، آمیخته بود. سخنان امام خمینی اغلب برای مشروعیت بخشیدن به انقلاب از شخصیت‌ها و رویدادهای تاریخی اسلامی استفاده می‌کرد و روایتی قدرتمند ایجاد می‌کرد که در میان مردم طنین انداز شد (حافظ، ۲۰۱۰). آموزه‌های اسلامی با قرار دادن انقلاب به‌عنوان ادامه مبارزه برای عدالت و عدالت، چارچوبی قانع‌کننده برای بسیج فراهم کرد و پیوندهای اجتماعی را بین شرکت‌کنندگان تقویت کرد. می‌توان گفت که اسلام به‌عنوان منبع حیاتی سرمایه اجتماعی در طول انقلاب اسلامی، شکل‌دهنده هویت جمعی و تسهیل بسیج گروه‌های مختلف بود. زمینه تاریخی که آموزه‌های اسلامی در آن مورد استناد قرار گرفته است بر اهمیت آنها نه‌تنها به‌عنوان آموزه‌های دینی بلکه به‌عنوان عناصر اساسی در بافت اجتماعی جامعه ایران تأکید می‌کند (نصر، ۱۳۸۵). تأکید بر اجتماع، همبستگی و عدالت در اندیشه اسلامی، نیروی وحدت‌بخشی بود که جنبش انقلابی را به پیش برد. تحقیقات آینده ممکن است تأثیر پایدار اسلام بر سرمایه اجتماعی در ایران معاصر را بیشتر مورد بررسی قرار دهد و ارتباط آن را در پویایی‌های اجتماعی و سیاسی کنونی برجسته کند.

مردم به‌عنوان منبع سرمایه اجتماعی انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ایران صرفاً یک تحول سیاسی نبود. این بیان عمیق اراده جمعی و همبستگی مردم ایران بود. مردم به‌عنوان منبع حیاتی سرمایه اجتماعی، تقویت وحدت و بسیج علیه رژیم پهلوی عمل می‌کردند (آقای، ۱۳۹۳). با بررسی روش‌های مشارکت مردم در سرمایه اجتماعی در متن انقلاب و هویت جمعی، سازماندهی و تغییرات اجتماعی ناشی از آن را برجسته می‌شود.

زمینه تاریخی بسیج مردمی ایران را می‌توان در سابقه سرکوب سیاسی، نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی و نارضایتی فرهنگی جستجو کرد. تلاش‌های مدرن‌سازی رژیم پهلوی، در حالی که در ظاهر با هدف غربی‌سازی صورت می‌گرفت، بسیاری از اقشار جامعه را از خود بیگانه کرد (حافظ، ۱۳۸۹). نارضایتی‌های تاریخی ناشی از استعمار و حکومت استبدادی زمینه مناسبی برای مخالفت ایجاد کرد. وقایعی مانند انقلاب مشروطه ۱۹۰۶ و ملی شدن صنعت نفت در اوایل دهه ۱۹۵۰ به‌عنوان پیش زمینه‌ای عمل کردند که نشان‌دهنده ظرفیت مردم برای اتحاد علیه ظلم بود (نصر، ۲۰۰۶). در زمان انقلاب اسلامی، یک آگاهی جمعی به وجود آمد که بر اهمیت سرمایه اجتماعی در دستیابی به تغییرات سیاسی تأکید داشت.

هویت جمعی و همبستگی مردم ایران، برگرفته از پیشینه‌های گوناگون - مذهبی، سکولار، شهری و روستایی - هویت مشترکی را توسعه دادند که فراتر از تفاوت‌های فردی بود. این هویت جمعی زیربنای تجربیات مشترک ظلم و ستم و دیدگاه مشترک برای جامعه اسلامی بود (خسروی، ۱۳۸۹). شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» این وحدت را در بر می‌گرفت و طنین‌انداز گسترده‌ای در میان جناح‌های مختلف جامعه داشت. توانایی بیان یک هدف مشترک، مردم را قادر می‌سازد تا شبکه‌های اجتماعی قوی تشکیل دهند و ظرفیت آنها را برای اقدام جمعی افزایش دهد. هویت مشترک ایجاد شده توسط این جنبش باعث حمایت از جمعیت‌های مختلف شد و سرمایه اجتماعی را تقویت کرد.

سازمان‌های مردمی، از جمله جنبش‌های دانشجویی، اتحادیه‌های کارگری و گروه‌های مذهبی، نقشی محوری در بسیج اقشار داشتند. این سازمان‌ها به‌عنوان مجرای ارتباط و هماهنگی عمل می‌کردند و به افراد اجازه می‌دادند تا نارضایتی خود را ابراز

کنند و در اقدامات جمعی شرکت کنند (آقایی، ۱۳۹۳). مساجد، به ویژه، به عنوان مراکز سازماندهی و بسیج ظهور کردند، جایی که اعضای جامعه برای بحث در مورد مسائل سیاسی و راهبردی اعتراضات گرد هم می آمدند. رهبری روحانیون برجسته ای مانند آیت الله خمینی این بسیج را بیش از پیش تسهیل کرد و مردم را به اتحاد در راه عدالت و عزت دعوت کردند. اعتراضات عمومی برای نشان دادن اراده جمعی مردم ایران ضروری بود. تظاهرات‌های توده‌ای که بوسیله یک هدف مشترک تقویت می‌شوند، قدرت سرمایه اجتماعی را که در طول سال‌ها مخالفت ایجاد شده بود، به نمایش گذاشت (نصر، ۲۰۰۶). تظاهرات سال ۱۹۷۸ که با تجمعات گسترده و اقدامات هماهنگ مشخص شد، نمونه ای از اتحاد و عزم مردم بود. این رویدادها نه تنها افراد را بسیج کرد، بلکه توجه بین المللی را نیز به خود جلب کرد و به آرمان انقلابی مشروعیت بیشتری بخشید. توانایی مردم در تداوم و تشدید اعتراضات، اهمیت سرمایه اجتماعی را به عنوان نیروی محرکه انقلاب برجسته کرد. مردم ایران به عنوان منبع حیاتی سرمایه اجتماعی در طول انقلاب اسلامی ظهور کردند و هویت جمعی را شکل دادند و بسیج علیه رژیم پهلوی را تسهیل کردند. زمینه تاریخی که مردم در آن عمل کردند بر اهمیت آنها نه تنها به عنوان سوژه های منفعل بلکه به عنوان شرکت کنندگان فعال در روند انقلاب تأکید می‌کند (خسروی، ۱۳۸۹). همبستگی، سازماندهی و اقدامات جمعی مردم، زیربنای موفقیت انقلاب را فراهم کرد و نقش حیاتی سرمایه اجتماعی را در جنبش‌های دگرگون‌کننده نشان داد. تحقیقات آینده ممکن است تأثیر پایدار بسیج مردمی بر جامعه معاصر ایران را بیشتر مورد بررسی قرار دهد و ارتباط مداوم سرمایه اجتماعی در گفتمان سیاسی را روشن کند.

دولت به عنوان منبع سرمایه اجتماعی انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در ایران یک رویداد دگرگون کننده بود که چشم انداز سیاسی کشور را به طور اساسی تغییر داد. یکی از منابع سرمایه اجتماعی که در این دوره اغلب نادیده گرفته می شد، خود دولت بود که نقش مهمی در شکل دادن به هویت جمعی، بسیج مردم و تقویت شبکه های اجتماعی ایفا کرد. این گزارش با تمرکز بر سیاست‌ها، مشروعیت و تغییرات اجتماعی ناشی از آن، به بررسی راه‌های کمک دولت به سرمایه اجتماعی در متن انقلاب می‌پردازد.

زمینه تاریخی حکومت ایران

رژیم پهلوی در زمان محمدرضا شاه با سبکی استبدادی بر ایران حکومت می کرد که بسیاری از اقشار جامعه را از خود بیگانه می کرد. تلاش‌های مدرن سازی رژیم، در حالی که هدفش غرب سازی بود، اغلب سنت‌های محلی و واقعیت‌های اجتماعی اقتصادی را نادیده می‌گرفت (آقایی، ۱۳۹۳). این امر زمینه مساعدی برای مخالفت ایجاد کرد، زیرا گروه‌های مختلف شروع به بسیج علیه بی‌عدالتی‌های دولت کردند. نارضایتی های تاریخی ناشی از شیوه های اقتدارگرایانه رژیم، زمینه را برای ظهور احساسات انقلابی فراهم کرد. در زمان انقلاب اسلامی، دولت ناخواسته به شکل گیری هویت جمعی در میان اپوزیسیون کمک کرد و جناح‌های مختلف را در برابر یک دشمن مشترک متحد کرد (نصر، ۱۳۸۵).

سیاست های اعمال شده توسط رژیم پهلوی، به ویژه سیاست های مربوط به آموزش، اصلاحات ارضی و نوسازی اقتصادی، پیامدهای عمیقی بر سرمایه اجتماعی داشت. در حالی که این سیاست ها برای مدرن کردن جامعه ایران بود، اغلب منجر به نابسامانی اجتماعی و نابرابری اقتصادی می شد (حافظ، ۱۳۸۹). نارضایتی ناشی از این سیاست ها به نقطه تجمع جنبش های اجتماعی مختلف تبدیل شد. ناکامی دولت در رسیدگی به نیازها و خواسته‌های شهروندان، گروه‌های مخالف، از جمله رهبران مذهبی، روشنفکران و کارگران را که به دنبال بسیج توده‌ها علیه رژیم بودند، تحریک کرد. این بسیج نقش حیاتی سرمایه اجتماعی را در تسهیل کنش جمعی برجسته کرد، زیرا افراد شبکه های همبستگی را برای به چالش کشیدن دولت تشکیل دادند (خسروی، ۱۳۸۹).

قرآن به عنوان منبع سرمایه اجتماعی انقلاب اسلامی

نقش قرآن در انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک نقطه کانونی حیاتی برای درک تأثیر آن بر سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی که به عنوان شبکه ها و روابطی که انسجام اجتماعی را تقویت می کند، به طور قابل توجهی تحت تأثیر آموزه های قرآن قرار گرفت که چارچوبی برای هویت و کنش جمعی در میان تلاطم های سیاسی اجتماعی عصر فراهم کرد (آقایی، ۱۳۹۳).

زمینه تاریخی قرآن در ایران

از نظر تاریخی، قرآن از قرن هفتم به عنوان متن اصلی در شکل گیری فرهنگ اسلامی بوده است. در ایران، قبل از انقلاب ۱۳۵۷، نارضایتی گسترده از رژیم پهلوی که به طور فزاینده ای از اصول اسلامی جدا می شد، زمینه مساعدی را برای شعارهای انقلابی ایجاد کرد. خمینی (۱۳۵۷). با تأکید بر اهمیت عدالت و همبستگی جامعه، چشم اندازی از حکمرانی را بیان کرد که ریشه در ارزش های قرآنی دارد.

تأکید قرآن بر وحدت و اقدام جمعی در دوران انقلاب طنین انداز شد. آیاتی از سوره حجرات، اهمیت اجتماع را برجسته می کند و گروه های مختلف را در مبارزه با ظلم و ستم تشویق می کند (حافظ، ۲۰۱۰). این هویت جمعی در اتحاد جناح های مختلف اعم از دانشجویان، کارگران و رهبران مذهبی مؤثر بود و در نهایت به موفقیت انقلاب کمک کرد.

همانطور که سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن توسط بوردیو و پاتنام تئوری شد، سرمایه اجتماعی شامل منابع قابل دسترسی از طریق شبکه های اجتماعی است. در چارچوب ایران، قرآن شکل گیری شبکه های مشارکتی را در میان جناح های مختلف اجتماعی تسهیل کرد و امکان همبستگی علیه رژیم را فراهم کرد (بوردیو، ۱۹۸۶؛ پاتنام، ۲۰۰۰). این پویایی به ویژه در طول اعتراضات توده ای مشهود بود، جایی که اعتقادات مذهبی مشترک الهام بخش کنش جمعی بود.

استناد امام خمینی (ره). به قرآن در سخنرانی های خود به مشروعیت بخشیدن به انقلاب کمک کرد و آن را به عنوان یک الزام اخلاقی برای ایجاد حکومت اسلامی در نظر گرفت (نصر، ۱۳۸۵). این استفاده راهبردی از قرآن نه تنها ایدئولوژی انقلابی را تقویت کرد، بلکه سرمایه اجتماعی را که زیربنای جنبش بود، تقویت کرد.

قرآن منبع اصلی سرمایه اجتماعی در طول انقلاب اسلامی ایران بود. آموزه های آن وحدت و همکاری را تقویت کرد و شبکه هایی را شکل داد که از شکاف های اجتماعی فراتر رفتند (خسروی، ۲۰۱۰).

تاریخ به عنوان منبع سرمایه اجتماعی انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در ایران نشان دهنده لحظه ای مهم در تاریخ کشور است که با تحولات و تحولات اجتماعی عمیق مشخص می شود. یکی از عوامل حیاتی که به موفقیت این انقلاب کمک کرد، نقش تاریخ به عنوان منبع سرمایه اجتماعی بود. سرمایه اجتماعی که به عنوان شبکه ای از روابط و هنجارهای مشترک درک می شود که همکاری را در یک جامعه تسهیل می کند، نقش حیاتی در بسیج گروه های مختلف علیه رژیم پهلوی ایفا کرد (آقایی، ۱۳۹۳). زمینه تاریخی و ریشه های انقلاب اسلامی را می توان در تداخل پیچیده ای از نارضایتی های تاریخی، جنبش های سیاسی اجتماعی و روایت های فرهنگی جستجو کرد. میراث استعمار، همراه با حکومت استبدادی خاندان پهلوی، زمینه مساعدی برای مخالفت ایجاد کرد (حافظ، ۱۳۸۹). رویدادهای تاریخی مانند انقلاب مشروطه ۱۹۰۶ و ملی شدن صنعت نفت در اوایل دهه ۱۹۵۰ به عنوان پیشینه مهمی عمل کردند که حافظه جمعی مردم ایران را شکل دادند. این رویدادها حس هویت و تعلق را تقویت کرد که بعداً در حمایت از انقلاب مؤثر بود (نصر، ۲۰۰۶).

انقلاب مشروطه ۱۹۰۶ نقطه عطف مهمی در تاریخ ایران بود، زیرا نظام پارلمانی را تأسیس کرد و حکومت استبدادی را به چالش کشید. این روایت تاریخی به سنگ بنای هویت جمعی تبدیل شد و مفهوم مشارکت مدنی و مطالبه حقوق سیاسی در میان ایرانیان را تقویت کرد (خسروی، ۱۳۸۹). خاطرات مبارزات و فداکاری های انجام شده در این دوران در انقلاب اسلامی برای القای همبستگی و اقدام علیه رژیم پهلوی مورد استناد قرار گرفت.

به همین ترتیب، ملی شدن صنعت نفت در اوایل دهه ۱۹۵۰ که منجر به حمایت گسترده از نخست وزیر محمد مصدق شد، روایتی از مقاومت در برابر مداخله خارجی و استبداد داخلی ایجاد کرد. این اپیزود تاریخی حافظه جمعی از غرور و سرکشی ملی را پرورش داد، عناصری که در بسیج حمایت از انقلاب نقش اساسی داشتند (آقایی، ۱۳۹۳). به طور خلاصه، روایت‌های تاریخی پیرامون انقلاب مشروطه و ملی شدن صنعت نفت به عنوان منابع حیاتی سرمایه اجتماعی در طول انقلاب اسلامی عمل کردند. این روایات هویت مشترک و حافظه جمعی را تقویت کرد و گروه‌های مختلف را قادر ساخت تا علیه رژیم پهلوی متحد شوند. پژوهش‌های آتی ممکن است تفاوت‌های ظریف این تأثیرات تاریخی بر سرمایه اجتماعی در ایران معاصر را بیشتر مورد بررسی قرار دهند، بنابراین درک تأثیر ماندگار آنها بر جامعه ایران را غنی‌تر کنند.

حافظه و هویت جمعی که به عنوان مخزن مشترک دانش و اطلاعات در خاطرات دو یا چند عضو یک گروه تعریف می‌شود، برای درک نقش تاریخ در انقلاب اسلامی بسیار مهم است. روایات پیرامون مبارزات گذشته علیه ظلم و استبداد منبع الهام انقلابیون شد. به عنوان مثال، حافظه جمعی انقلاب مشروطه برای تأکید بر اهمیت اصول دموکراتیک و حقوق شهروندی مورد استفاده قرار گرفت (آقایی، ۱۳۹۳). این زمینه تاریخی چارچوبی را برای افراد فراهم کرد تا مبارزات معاصر خود را در روایت بزرگتری از مقاومت و تاب آوری تفسیر کنند.

روایات تاریخی در گفتمان رهبران انقلاب اسلامی به طور مؤثر از روایت‌های تاریخی برای پرورش سرمایه اجتماعی در میان مردم ایران استفاده کردند. شخصیت‌هایی مانند امام خمینی (ره). از وقایع و شخصیت‌های تاریخی استفاده کردند و آنها را نمونه‌های مقاومت در برابر استبداد معرفی کردند (حافظ، ۱۳۸۹). با پیوند دادن انقلاب به تاریخ غنی مقاومت ایران، خمینی و دیگر رهبران انقلابی توانستند هویت مشترکی را در میان گروه‌های مختلف از جمله جناح‌های سکولار و مذهبی پرورش دهند. این روایت وحدت‌بخش شکل‌گیری یک ائتلاف گسترده را تسهیل کرد که از تفاوت‌های ایدئولوژیک فراتر رفت و در نتیجه سرمایه اجتماعی را تقویت کرد (نصر، ۲۰۰۶).

روایت‌های تاریخی که در جریان انقلاب پدیدار شد، نه تنها حس هویت جمعی را تقویت کرد، بلکه ایجاد شبکه‌های اجتماعی را نیز تسهیل کرد. این شبکه‌ها که از طریق تجربیات مشترک تاریخی شکل گرفتند، برای بسیج افراد و گروه‌های مخالف رژیم پهلوی حیاتی بودند. توانایی یادآوری و ارجاع نارضایتی‌های مشترک تاریخی باعث ایجاد اعتماد و همکاری در بین انقلابیون شد (خسروی، ۱۳۸۹). هنگامی که مردم در مساجد، دانشگاه‌ها و مراکز اجتماعی گرد هم می‌آمدند تا درباره تاریخ مشترک خود بحث کنند، پیوندهایی ایجاد کردند که در نهایت به اقدام جمعی تبدیل می‌شد.

تاریخ به عنوان منبع حیاتی سرمایه اجتماعی در طول انقلاب اسلامی در ایران، شکل‌دهی به هویت جمعی و تقویت شبکه‌های همکاری میان گروه‌های مختلف، عمل کرد. روایت‌های تاریخی و خاطرات جمعی مبارزات گذشته علیه ظلم، چارچوبی را برای افراد فراهم کرد تا در تلاش برای تغییر متحد شوند (آقایی، ۱۳۹۳). درک نقش تاریخ در این زمینه، اهمیت سرمایه اجتماعی را در جنبش‌های انقلابی برجسته می‌کند و بر تأثیر پایدار تجارب مشترک بر کنش جمعی تأکید می‌کند.

فقه به عنوان منبع سرمایه اجتماعی انقلاب اسلامی

فقه به عنوان منبع سرمایه اجتماعی در انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ایران نقطه عطفی بود که نه تنها چشم انداز سیاسی را دگرگون کرد، بلکه نقش فقه اسلامی یا فقه را در جامعه بازتعریف کرد. فقه که اصول اخلاقی و حقوقی برگرفته از متون اسلامی را در بر می‌گیرد، به عنوان منبعی حیاتی از سرمایه اجتماعی، تأثیرگذار بر هویت جمعی، انسجام جامعه و تلاش‌های بسیج در میان مردم ایران ظهور کرد (آقایی، ۱۳۹۳).

فقه از زمان پیدایش اسلام در قرن هفتم، سنگ بنای زندگی اسلامی بوده است. در ایران، توسعه فقه شیعه، به ویژه در دوران صفویه، چارچوب قانونی مشخصی را ایجاد کرد که ساختار اخلاقی و اجتماعی جامعه ایران را شکل داد (نصر، ۱۳۸۵). رویدادهای تاریخی، از جمله انقلاب مشروطه ۱۹۰۶، نقش فقه را در گفتمان سیاسی و کنشگری اجتماعی نشان داد و زمینه را برای تجدید حیات آن در جریان انقلاب اسلامی فراهم کرد (حافظ، ۱۳۸۹). در زمان انقلاب، فقه به ابزاری قدرتمند برای بیان نارضایتی‌های اجتماعی و بسیج توده‌ها تبدیل شده بود.

فقه به عنوان منبع حیاتی هویت جمعی برای مسلمانان عمل می‌کند و چارچوبی مشترک برای درک تعهدات اخلاقی و اخلاقی فراهم می‌کند. اصول عدالت، انصاف و رفاه جامعه که در فقه بیان شده است، به‌ویژه در مواجهه با نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی و ستم سیاسی، عمیقاً در میان مردم ایران طنین‌انداز است (خسروی، ۱۳۸۹). این درک مشترک باعث ایجاد حس تعلق و اتحاد در میان گروه‌های مختلف از جمله رهبران مذهبی، دانشجویان و کارگران شد و در نتیجه سرمایه اجتماعی را افزایش داد. استناد به فقه در گفتمان عمومی این ایده را تقویت کرد که انقلاب صرفاً یک جنبش سیاسی نیست، بلکه یک امر اخلاقی است که ریشه در ارزش‌های اسلامی دارد. مرجعیت علما و فقیهان، به‌ویژه صاحبان فقه، نقش اساسی در سازماندهی و بسیج حمایت از انقلاب داشتند. علمایی مانند آیت‌الله خمینی از دانش فقه خود برای ارائه توجیهی مذهبی برای فعالیت‌های سیاسی علیه رژیم پهلوی به طور مؤثر استفاده کردند (آقای، ۱۳۹۳). این علما با شکل دادن به مبارزه برای عدالت و برابری به عنوان امتداد اصول اسلامی، توانستند ائتلاف وسیعی از هواداران را ایجاد کنند. آموزه‌های فقه به نقطه‌ای تبدیل شد که افراد را تحت یک آرمان مشترک متحد می‌کرد و پیوندهای اجتماعی را تقویت می‌کرد و همکاری میان جناح‌های مختلف را تقویت می‌کرد.

گفتمان پیرامون انقلاب اسلامی عمیقاً با مبانی فقه عجین شده بود. رهبران انقلاب از فقه برای بیان دیدگاه خود برای حکومت اسلامی استفاده کردند و بر لزوم عدالت و مسئولیت اجتماعی تأکید کردند (نصر، ۱۳۸۵). مفهوم ولایت فقیه (ولایت فقیه) که معتقد است فقیه شایسته باید جامعه اسلامی را رهبری کند، محور ایدئولوژی انقلابی شد. این اصل نه تنها به انقلاب مشروعیت بخشید، بلکه چارچوبی را برای حکمرانی ایجاد کرد که در میان مردم طنین انداز شد و از این طریق سرمایه اجتماعی را از طریق باورها و تعهدات مشترک افزایش داد.

فقه به عنوان منبع حیاتی سرمایه اجتماعی در طول انقلاب اسلامی، شکل دهنده هویت جمعی و تسهیل بسیج گروه‌های مختلف اجتماعی بود. زمینه تاریخی که فقه در آن مورد استناد قرار گرفته است، اهمیت آن را نه تنها به عنوان یک آموزه دینی، بلکه به عنوان عنصری بنیادی در بافت اجتماعی جامعه ایران نشان می‌دهد (خسروی، ۱۳۸۹). تأکید بر عدالت، رفاه جامعه و مسئولیت اخلاقی در فقه، نیروی وحدت‌بخشی بود که جنبش انقلابی را به پیش برد.

مشروعیت و نقش رهبری انقلابی

مشروعیت رژیم پهلوی با افزایش مخالفت‌ها به طور فزاینده‌ای مورد تردید قرار گرفت. رهبران انقلاب، به‌ویژه امام خمینی (ره)، به‌طور مؤثری از ناراضی‌های مردم برای ایجاد هویت جمعی جدیدی که ریشه در اصول اسلامی داشت، استفاده کردند (نصر، ۲۰۰۶). گفتمان امام خمینی انقلاب را به عنوان یک وظیفه اخلاقی و دینی برای سرنگونی یک حکومت ظالم و در نتیجه تقویت حس سرمایه اجتماعی در میان مردم، در نظر گرفت. توانایی امام خمینی و دیگر روحانیون در بیان ناراضی‌های مردم از حکومت، روایتی قدرتمند ایجاد کرد که طنین انداز گسترده‌ای داشت و شبکه‌های اجتماعی تشکیل شده در مخالفت با رژیم را بیشتر مستحکم کرد (آقای، ۱۳۹۳).

پس از پیروزی انقلاب، استقرار جمهوری اسلامی تغییر چشمگیری را در رابطه دولت و جامعه رقم زد. دولت جدید به دنبال مهار سرمایه اجتماعی بود که در طول مبارزات انقلابی ساخته شده بود و روایتی از وحدت و هدف جمعی را ترویج می‌کرد (حافظ، ۲۰۱۰). اصول حکمرانی اسلامی، همانطور که رهبری جدید بیان کرد، بر عدالت، رفاه جامعه و نقش مردم در حکمرانی تأکید داشت. این تغییر نه تنها برای دولت جدید مشروعیت بخشید، بلکه پیوندهای اجتماعی میان شهروندان را نیز تقویت کرد، زیرا آنها درگیر فرآیند سیاسی بودند و به بازسازی جامعه کمک کردند (خسروی، ۱۳۸۹). دولت به عنوان منبع حیاتی سرمایه اجتماعی در طول انقلاب اسلامی، شکل دهنده هویت جمعی و تسهیل بسیج علیه رژیم پهلوی بود. زمینه تاریخی که دولت در آن فعالیت می‌کرد، بر اهمیت آن نه تنها به عنوان یک نهاد اقتدار بلکه به عنوان یک بازیگر کلیدی در شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی و کنش جمعی تأکید می‌کند. تأثیر متقابل بین سیاست‌های دولت، مشروعیت و تغییرات اجتماعی ناشی از آن، نقش حیاتی سرمایه اجتماعی را در جنبش‌های انقلابی نشان می‌دهد.

مشروعیت و نقش رهبری انقلابی

مشروعیت رژیم پهلوی با افزایش مخالفت ها به طور فزاینده ای مورد تردید قرار گرفت. رهبران انقلاب، به ویژه امام خمینی (ره)، به طور مؤثری از نارضایتی از دولت برای ایجاد هویت جمعی جدیدی که ریشه در اصول اسلامی داشت، استفاده کردند (نصر، ۲۰۰۶). گفتمان امام خمینی انقلاب را به عنوان یک وظیفه اخلاقی و دینی برای سرنگونی یک حکومت ظالم و در نتیجه تقویت حس سرمایه اجتماعی در میان مردم، در نظر گرفت. توانایی امام خمینی و دیگر روحانیون در بیان نارضایتی های مردم از حکومت، روایتی قدرتمند ایجاد کرد که طنین انداز گسترده ای داشت و شبکه های اجتماعی تشکیل شده در مخالفت با رژیم را بیشتر مستحکم کرد (آقای، ۱۳۹۳). پس از پیروزی انقلاب، استقرار جمهوری اسلامی تغییر چشمگیری را در رابطه دولت و جامعه رقم زد. دولت جدید به دنبال مهار سرمایه اجتماعی بود که در طول مبارزات انقلابی ساخته شده بود و روایتی از وحدت و هدف جمعی را ترویج می کرد (حافظ، ۲۰۱۰). اصول حکمرانی اسلامی، همانطور که رهبری جدید بیان کرد، بر عدالت، رفاه جامعه و نقش مردم در حکمرانی تأکید داشت. این تغییر نه تنها برای دولت جدید مشروعیت بخشید، بلکه پیوندهای اجتماعی میان شهروندان را نیز تقویت کرد، زیرا آنها درگیر فرآیند سیاسی بودند و به بازسازی جامعه کمک کردند (خسروی، ۱۳۸۹).

دولت به عنوان منبع حیاتی سرمایه اجتماعی در طول انقلاب اسلامی، شکل دهنده هویت جمعی و تسهیل بسیج علیه رژیم پهلوی بود. زمینه تاریخی که دولت در آن فعالیت می کرد، بر اهمیت آن نه تنها به عنوان یک نهاد اقتدار بلکه به عنوان یک بازیگر کلیدی در شکل گیری شبکه های اجتماعی و کنش جمعی تأکید می کند. تأثیر متقابل بین سیاست های دولت، مشروعیت و تغییرات اجتماعی ناشی از آن، نقش حیاتی سرمایه اجتماعی را در جنبش های انقلابی نشان می دهد.

انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در ایران نمونه ای از تأثیر عمیق رهبری بر پویایی سرمایه اجتماعی است. رهبری به عنوان منبعی محوری ظهور کرد که نه تنها جناح های مختلف را متحد کرد، بلکه مردم را به سمت یک هدف مشترک تغییر سیاسی اجتماعی سوق داد. محور اصلی این پدیده آیت الله خمینی بود که توانایی او در بیان دیدگاهی که با آرمان های مردم ایران طنین انداز بود، او را به نماد مقاومت در برابر رژیم پهلوی تبدیل کرد. رهبری او در پرورش یک هویت جمعی مبتنی بر ارزش های مذهبی و فرهنگی مشترک و در نتیجه افزایش انسجام اجتماعی در میان انقلابیون مؤثر بود (آقای، ۱۳۹۳).

علاوه بر این، استفاده خمینی از لفاظی مذهبی در خدمت بسیج کردن حمایت در اقصای مختلف اجتماعی بود که تلاقی سرمایه مذهبی و سیاسی را نشان می داد. این ادغام نه تنها افراد را برای شرکت در تظاهرات و تظاهرات برانگیخت، بلکه احساس هدف و تعلق به جنبش انقلابی را نیز تقویت کرد (خمینی، ۱۳۵۸). روایت ساخته شده توسط خمینی بر عدالت اجتماعی و رفاه جامعه تأکید داشت که عمیقاً در آگاهی جمعی مردم ایران طنین انداز شد و تعهد آنها به آرمان انقلابی را بیشتر تقویت کرد (ارجمند، ۱۹۸۸).

در خاتمه، رهبری در انقلاب اسلامی عنصری حیاتی از سرمایه اجتماعی بود که به طور مؤثر آرمان های دینی و سیاسی را برای تسهیل کنش جمعی مهار می کرد. این ترکیب رهبری و سرمایه اجتماعی بینش های ارزشمندی را در مورد مکانیسم های جنبش های انقلابی ارائه می دهد و ارتباط پایدار رهبری در شکل دهی به تحولات اجتماعی را برجسته می کند. انقلاب اسلامی نمونه ای از قدرت سرمایه اجتماعی به عنوان کاتالیزور تغییر است. منابع به هم پیوسته سرمایه اجتماعی - مذهب، تاریخ، جمعیت و دولت - در مجموع محیطی را ایجاد کردند که مردم ایران را قادر ساخت تا در جستجوی عدالت و خودمختاری متحد شوند.

نتیجه گیری

انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ایران به عنوان یک مطالعه موردی عمیق از چگونگی ظهور سرمایه اجتماعی به عنوان یک نیروی قدرتمند در تسهیل کنش جمعی و تحول اجتماعی است. انقلاب صرفاً یک تحول سیاسی نبود. این نشان دهنده تلاقی منابع مختلف سرمایه اجتماعی بود که به طور جمعی مردم ایران را علیه رژیم پهلوی بسیج کرد. از طریق بررسی جنبه های مختلف سرمایه

اجتماعی - مذهب، تاریخ، جمعیت و دولت - آشکار می‌شود که این عناصر عمیقاً در هم تنیده شده‌اند و هر کدام به روایت انقلابی کمک می‌کنند و محیطی مساعد برای تغییر ایجاد می‌کنند.

منابع به هم پیوسته سرمایه اجتماعی چارچوب دینی ارائه شده توسط اسلام در شکل‌گیری هویت جمعی و بسیج مؤثر بود. آموزه‌های اسلام، به ویژه آموزه‌های مربوط به عدالت اجتماعی و رفاه جامعه، در میان مردم ایران طنین انداز شد و یک الزام اخلاقی مشترک را ایجاد کرد که فراتر از تفاوت‌های فردی بود. رهبران مذهبی، به ویژه آیت‌الله خمینی، عملاً از این سرمایه دینی برای جلب حمایت استفاده کردند و با استناد به روایتی که انقلاب را به عنوان یک وظیفه دینی معرفی می‌کردند. این ادغام آرمان‌های مذهبی و سیاسی نه تنها جناح‌های مختلف را متحد کرد، بلکه حس هدف را در میان انقلابیون تقویت کرد. به همان اندازه بافت تاریخی که آگاهی جمعی مردم ایران را آگاه می‌کرد، قابل توجه بود. میراث مبارزات گذشته علیه استبداد، مانند انقلاب مشروطه ۱۹۰۶، منبع الهام برای فعالان معاصر بود. این آگاهی تاریخی باعث ایجاد هویت مشترک در میان مردم شد و افراد را قادر ساخت تا مبارزات کنونی خود را در روایتی بزرگتر از مقاومت و انعطاف تفسیر کنند. خاطره جمعی نارضایتی‌های تاریخی مردم را توانمند کرد تا علیه رژیم بسیج شوند و نقش سرمایه تاریخی را در تقویت انسجام اجتماعی به نمایش بگذارند.

خود مردم ایران به عنوان منبعی حیاتی از سرمایه اجتماعی ظهور کردند و همبستگی و سازماندهی قابل توجهی را در طول دوره انقلاب نشان دادند. جنبش‌های مردمی، فعالیت‌های دانشجویی و شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در بسیج حمایت و انتشار ایده‌های انقلابی داشتند. توانایی شهروندان عادی برای دور هم جمع شدن برای دستیابی به یک هدف مشترک، قدرت شبکه‌های اجتماعی و اهمیت عاملیت جمعی را در ایجاد تغییر نشان می‌دهد. اعتراضات مردمی به مظهر این سرمایه اجتماعی تبدیل شد و وحدت و عزم مردم را در برابر ظلم به نمایش گذاشت.

دولت علیرغم ماهیت استبدادی خود، ناخواسته به سرمایه اجتماعی که به انقلاب دامن زد کمک کرد. ناکامی رژیم پهلوی در رسیدگی به نیازها و خواسته‌های شهروندان، خلایق ایجاد کرد که با شعارهای انقلابی و سازمان‌دهی پر شد. بحران مشروعیتی که دولت با آن مواجه شد به رهبران انقلابی این امکان را داد تا خود را به عنوان نمایندگان اراده مردم قرار دهند و پیوندهای سرمایه اجتماعی را در میان حامیان خود بیشتر مستحکم کنند. گذار از یک رژیم استبدادی به یک حکومت اسلامی تغییر قابل توجهی در رابطه بین دولت و جامعه نشان داد، زیرا رهبری جدید در پی مشروعیت بخشیدن به اقتدار خود با توسل به آرمان‌های جمعی مردم بود.

نقش سرمایه اجتماعی در دوران انقلاب اسلامی بر اهمیت ماندگار آن در جامعه معاصر ایران تأکید دارد. میراث کنش جمعی، همبستگی و مشارکت اجتماعی همچنان به شکل‌دهی چشم‌انداز سیاسی و پویایی‌های اجتماعی در ایران امروز ادامه می‌دهد. درک ماهیت چندوجهی سرمایه اجتماعی آنگونه که در جریان انقلاب تجلی یافت می‌تواند بینش‌های ارزشمندی را در مورد جنبش‌های اجتماعی جاری و گفتمان سیاسی در داخل کشور ارائه دهد.

در خاتمه، انقلاب اسلامی نمونه‌ای از قدرت سرمایه اجتماعی به عنوان کاتالیزور تغییر است. منابع به هم پیوسته سرمایه اجتماعی - مذهب، تاریخ، جمعیت و دولت - در مجموع محیطی را ایجاد کردند که مردم ایران را قادر ساخت تا در جستجوی عدالت و خودمختاری متحد شوند. این ترکیب یافته‌ها نقش حیاتی سرمایه اجتماعی در جنبش‌های انقلابی را برجسته می‌کند و درس‌هایی را ارائه می‌دهد که فراتر از بافت تاریخی خاص ایران طنین‌انداز است.

توصیه‌هایی برای پژوهش‌های آتی سرمایه اجتماعی در انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ایران زمینه‌ای غنی برای تحقیق دانشگاهی به ویژه در مورد پویایی سرمایه اجتماعی و بررسی تطبیقی سرمایه اجتماعی در جنبش‌های انقلابی ارائه می‌دهد. با تکیه بر بینش‌های به دست آمده از تجزیه و تحلیل سرمایه اجتماعی در این دوره، چندین توصیه کلیدی برای تحقیقات آینده ظاهر می‌شود که می‌تواند درک ما را از این پدیده پیچیده عمیق‌تر کند. تحقیقات آینده باید تحلیل‌های مقایسه‌ای سرمایه اجتماعی را در سراسر جهان‌های مختلف در نظر بگیرد.

منابع

1. Aghaie, Kamran Scot. *The Iranian Revolution: The Rebirth of the Islamic Republic*. Cambridge: Cambridge University Press, 2014.
2. Arjomand, Said Amir. *The Turban for the Crown: The Islamic Revolution in Iran*. New York: Oxford University Press, 1988.
3. Bourdieu, P (2022) *The Forms of Capital*. In J. Richardson (Ed.). *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education* (pp. 241-258) (Greenwood).
4. Bourdieu, Pierre. *The Forms of Capital*. In *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*, edited by John G. Richardson, 241-258. New York: Greenwood Press, 1986.
5. Coleman, J. S (1988) *Social Capital in the Creation of Human Capital*. In *American Journal of Sociology*, 94, S95-S120.
6. Coleman, J. S (2023) *Social Capital in the Creation of Human Capital*. In *The American Journal of Sociology*, 94(S1). S95-S120.
7. Davis, K (2023) *Networking Inequality: Social Capital and Political Engagement*. *Journal of Political Science*, 45(1). 67-85.
8. Fukuyama, F (1995) *Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity*. Free Press.
9. Fukuyama, F (2023) *Political Order and Political Decay: From the Industrial Revolution to the Globalization of Democracy*. Farrar, Straus and Giroux.
10. Garcia, P (2023) *Community Development and Social Capital: Strengthening Civic Engagement*. *Journal of Community Development*, 49(2). 113-130.
11. Hafez, Kai. "The Role of Religion in Iran's Political Culture." *Middle East Journal* 64, no. 3 (2010). : 405-422.
12. Johnson, L (2023) *Empowering Marginalized Voices: Social Capital and Political Participation*. *Social Science Quarterly*, 104(1). 92-110.
13. Khatami, Mohammad. *Islamic Culture and Political Identity in the Iranian Revolution*. In *The Iran Reader: History, Culture, Politics*, edited by Eric L. Davis and Nancy Y. Shirin. Durham: Duke University Press, 2013.
14. Khomeini, Ruhollah. *Islamic Government: Governance of the Jurist*. Translated by Hamid Algar. Qom: Islamic Publications Office, 1979.
15. Khosravi, Shahram. *Young and Defiant in Tehran*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 2010.
16. Lin, N (2023) *Social Capital: A Theory of Social Structure and Action*. Cambridge University Press.
17. Bourdieu, P (1986) *The Forms of Capital*. In J. Richardson (Ed.). *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education* (pp. 241-258) (Greenwood).
17. Martinez, J (2023) *The Influence of Social Capital on Political Participation: A Contemporary Analysis*. *Political Studies Review*, 21(1). 45-63.
18. Miller, R. & Johnson, T (2021) *The Role of Social Capital in Educational Outcomes: A Comprehensive Study*. *Educational Research Review*, 32(4). 234-256.

19. Nasr, Seyyed Hossein. Islamic Philosophy from Its Origin to the Present: Philosophy in the Land of Prophecy. Albany: State University of New York Press, 2006.
20. Nasr, Seyyed Hossein. Islamic Philosophy from Its Origin to the Present: Philosophy in the Land of Prophecy. Albany: State University of New York Press, 2006.
21. Putnam, R. D (2021) The Upswing: How We Came Together a Century Ago and How We Can Do It Again. Simon & Schuster.
22. Putnam, Robert D. Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community. New York: Simon & Schuster, 2000.
23. Roberts, J. & Smith, L (2022) Social Capital and Academic Success: A Critical Analysis. Educational Research Review, 35(2). 123-145.
24. Sadr, Mohammad Baqir. Ijtihad in Islamic Law: A Historical and Legal Perspective. London: Islamic Texts Society, 1996.
25. Smith, J. & Thompson, A (2022) The Role of Social Capital in Community Resilience. Journal of Community Psychology, 50(3). 345-367.
26. Thompson, A. & Lee, R (2021) Social Capital and Community Resilience: A Study of Local Responses to Crisis. Journal of Community Psychology, 49(3). 345-362.
27. Zubaida, Sami. Islam, the People and the State: Essays on Political Ideas and Movements in the Middle East. London: I.B. Tauris, 1993.